

تام میلز

افسانه بی بی سم

ترجمه دکتر مسعود میرزایی



سرشناسه	: میلز، تام، ۱۹۸۱-م. Mills, Tom, 1981-
عنوان و نام پدیدآور	: افسانه‌ی بی‌بی‌سی/تام میلز؛ ترجمه مسعود میرزایی.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۹-۰۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The BBC : myth of a public service.
موضوع	: بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا - British Broadcasting corporation
موضوع	: پخش برنامه‌های دولتی -- انگلستان
موضوع	: Public broadcasting -- Great Britain
موضوع	: پخش برنامه -- انگلستان - Broadcasting -- Great Britain
موضوع	: پخش برنامه -- انگلستان -- سیاست دولت
موضوع	: Broadcasting policy -- Great Britain
موضوع	: حاکمیت شرکتی -- انگلستان -- جنبه‌های اخلاقی
موضوع	: Corporate governance -- Moral and ethical aspects -- Great Britain
موضوع	: آزادی گفتار -- انگلستان - Freedom of speech -- Great Britain
شناسه افزوده	: میرزایی، مسعود، ۱۳۴۶ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۹/۸۶۸۹HE الف/۸
رده بندی دیویی	: ۵۴۰۶۵۴۱/۳۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۷۷۰۸



افسانه‌ی بی‌بی‌سی	مؤلف: تام میلز
ترجمه: دکتر مسعود میرزایی	نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان	طراح و گرافیک: پرویز بیانی
چاپ: هوران	آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷
 تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com
 فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷

تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۱ - [sociologybookstore](http://sociologybookstore.com)  [andishe_hehsan](https://www.andishehehsan.com) 

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	مقدمه نویسنده
۲۷	فصل اول زیر سایه قدرت
۶۱	فصل دوم بی‌بی‌سی و سازمان‌های امنیتی: یک رابطه رضایت‌بخش
۱۰۷	فصل سوم جنگ و صلح
۱۵۵	فصل چهارم سیاست، قدرت و جانبداری سیاسی
۲۰۵	فصل پنجم بنای بروکراسی نتولیرال
۲۴۳	فصل ششم بنگاه عمومی بخش و قدرت بخش خصوصی
۲۶۱	نتیجه دموکراسی و آینده بخش اخبار
۳۱۱	ضمیمه همه مدیرکل‌های بی‌بی‌سی
۳۱۳	یادداشت‌ها

یادداشت مترجم

بی‌بی‌سی به عنوان درخشان‌ترین بنگاه پخش عمومی در جهان نزدیک به یک قرن است که فعالیت می‌کند. این بنگاه علاوه بر اینکه به عنوان یک رسانه‌ی حرفه‌ای و تاثیرگذار هم در داخل بریتانیا و هم در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود، در عین حال یکی از مرموزترین و پدیدترین نهادهای سیاسی - فرهنگی نظام سلطنتی بریتانیا به شمار می‌رود.

این بنگاه براساس منشور سلطنتی تاسیس شده و برای اینکه به اصطلاح یک سازمان مستقل و غیردولتی محسوب شود، تشکیلات اداری بریتانیا به عنوان یک سازمان «خدمات عمومی» شناخته می‌شود. از ابتدای تاسیس بی‌بی‌سی همواره گروهی از نخبگان سیاسی و اقتصاد و صاحب نفوذ و سیاستمداران وفادار از احزاب اصلی به عنوان شورای حاکم هیات امناء، هیات مدیره (در دوره‌های مختلف این اسامی فرق کرده است) با پیشنهاد دولت و حزب حاکم و با فرامین سلطنتی برای دوره‌های مشخص منصوب شده‌اند تا ضمن معرفی و انتصاب مدیرکل (به عنوان مهم‌ترین مقام اجرایی) راهبردها و سیاست‌های کلان این بنگاه از جمله نحوه هزینه‌کرد منابع را تعیین کنند.

این ویژگی ساختاری، کاملاً نشان می‌دهد که بنیان‌های این بنگاه در کجا نهاده شده و استقلال و بی‌طرفی آن تا چه حد می‌تواند واقعی باشد. بنگاه بی‌بی‌سی چون بر خلاف دیگر نهادهای عمومی که از طریق ساز و کارهای قانونی تاسیس شده‌اند، از طریق منشور سلطنتی پا به عرصه وجود گذاشته حتی به‌طور رسمی در مقابل پارلمان به عنوان یک نهاد دموکراتیک و انتخابی نیز پاسخگو نیست و فقط در مقابل مقام سلطنت مسئول است.

دکتر تام میلز پژوهشگر و نویسنده انگلیسی در کتاب حاضر با استناد به شواهد و مستندات متعدد تاکید می‌کند: به‌رغم ادعاهای فراوان مطرح شده، بی‌بی‌سی به مستقل است و نه بی‌طرف؛ چون ساختار و فرهنگ آن عمیقاً برساخته‌ی گروه‌های قدرتمند در جامعه بریتانیا است و در نتیجه، چنین فرهنگی همه آنچه را که «در بی‌بی‌سی می‌بینیم، می‌شنویم و می‌خوانیم، شکل می‌دهد».

اکثر کارشناسان معاندان این بنگاه سخن پراکنی به‌ویژه در سرویس جهانی خود، سیاست‌ها، دران بریتانیا را با ظرافت و با بهره‌گیری از امکانات پیشرفته فنی و نیروهای حرفه‌ای در مناطق مختلف جهان تبلیغ و پیگیری می‌کند که این موضوع در عاطع مختلف تاریخی در بخش فارسی نمود برجسته‌تری داشته است. جنگ - همان دوم، اشغال ایران توسط متفقین، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، حوادث تروریستی و آشوب‌های پس از انتخابات و... از جمله حوادثی هستند که بی‌بی‌سی به‌رغم ادعای بی‌طرفی، کاملاً جانبدارانه در آنها ورود کرده و با دستور کار سیاسی، هجمه تبلیغاتی و رسانه‌ای گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران سازماندهی کرده است.

با توجه به رویکرد سیاسی و جانبدارانه بی‌بی‌سی در قبال اخبار مربوط به ایران، طی ۸۰ سال گذشته، دولت‌های مختلف حتی در پیش از انقلاب نسبت به این بنگاه سخن پراکنی معترض بوده‌اند. این اعتراضات به‌ویژه در سال‌های اخیر شدت بیشتری به خود گرفته و در مواردی به درگیری‌های

سیاسی و رسانه‌ای بین ایران و بریتانیا منجر شده که در جریان این درگیری‌ها اتهامات متقابلی نیز بین دو طرف رد و بدل شده است.

البته انتقاد از بی‌بی‌سی به دلیل نوع رویکرد آن به حوادث مختلف در جهان، مختص به جمهوری اسلامی ایران نیست و در طول تاریخ فعالیت این بنگاه شاهد برخوردهای مشابه از سوی دیگر دولت‌ها و فعالان مدنی و گروه‌های سیاسی سایر کشورها هم بوده‌ایم. به عنوان مثال دولت مصر در اواخر سال ۱۳۹۶ و دولت بروندی در اوایل سال ۱۳۹۸ به دلیل آنچه که بخش اخبار دروغ خواندند، بی‌بی‌سی را تحریم کردند.

حتی در خود بریتانیا نیز فعالیت‌های بی‌بی‌سی در مقاطعی بسیار جنجال‌آفرین بود و اساساً احزاب و گروه‌های سیاسی، فعالان ضدجنگ، اتحادیه‌های صنفی، کارگری، مدافعان حقوق بشر را برانگیخته است. بی‌بی‌سی همچنین به دلیل سابقه تاریخی و میزان نفوذ و تاثیرگذاری در تحولات مختلف، در مقاطع مختلف به عرصه نبرد احزاب سیاسی و دولتمردان بریتانیایی تبدیل شده و هرگاه ادعای داشته‌اند که این رسانه را تحت کنترل کامل خود بگیرند و برای پیشبرد اهداف‌شان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی استفاده کنند.

دکتر تام میلز در کتاب حاضر با مرور برخی از این تحولات و اسناد و مدارک محرمانه که به‌تازگی از بایگانی خارج شده‌اند، تشریح کرده است تصویر روشنی از بنگاه بی‌بی‌سی و اتفاقات پشت پرده‌ی آن ارائه دهند. وی در این کتاب ضمن تشریح جایگاه حقوقی و قانونی این بنگاه در نظام سیاسی و سپهر رسانه‌ای بریتانیا، نشان می‌دهد که با وجود ادعای سراری استقلال و بی‌طرفی، بی‌بی‌سی بخشی از نظام سلطنتی حاکم بر بریتانیا است و در طول حیات حرفه‌ای خود، به‌ویژه در بزنگاه‌های مهم، همواره در کنار نخبگان حاکم ایستاده است.

وی تصریح می‌کند: بنگاه بی‌بی‌سی همیشه به قربان‌گو و تسلیم‌کنانی بوده که در قدرت بوده‌اند، این موضوع از هنگامی که این بنگاه در اوایل تأسیس خود و در جریان اعتصاب عمومی کارگران در کنار دولت و در مقابل معترضان اینستاد تاکنون کاملاً صحت دارد و یکی از راهبردهای اصلی آن همیشه خاموش کردن صدای کسانی بوده که مخالف وضع موجود در بریتانیا بوده‌اند.

این کتاب نخستین بار در سال ۲۰۱۶ از سوی انتشارات «ورسو» به‌طور همزمان در لندن و نیویورک منتشر شد و به دلیل استقبال علاقه‌مندان در همین مدت کوتاه چند بار هم تجدید چاپ شده است.

با توجه به نبود منابع تحقیقی و مستند به زبان فارسی درباره بی‌بی‌سی و همچنین شمار کمی از سطحی‌بودن برخی از مطالب انتقادی منتشر شده در رسانه‌ها، امیدوارم کتاب حاضر بتواند بخشی از واقعیات عینی را در مورد بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا، اختیار علاقه‌مندان، به‌ویژه دانشجویان و پژوهشگران قرار دهد. علاوه بر شماره‌های ارجاع به پاورقی، در فصول مختلف کتاب شماره‌هایی نیز داخل متن ذکر شده که مربوط به منابع استفاده شده توسط نویسنده است که این منابع همانند نسخه اصلی و به تفکیک فصول مختلف عیناً در پایان کتاب رجوع شده است.

در پایان از مدیریت محترم و کارکنان شایسته انتشارات وزین اندیشه احسان که زحمت آماده‌سازی و انتشار کتاب را متقبل شدند صمیمانه قدردانی می‌کنم و همچنین از شما فرهیخته‌ی گرامی که برای مطالعه این کتاب وقت می‌گذارید، سپاسگزارم و امیدوارم بتوانم از پیشنهادات، انتقادات و ملاحظات نظرات ارزشمند شما بهره‌مند شوم تا در آینده کارهای بهتری را تقدیم کنم. ان شاء الله.

مسعود میرزایی^۱

مقدمه نویسنده

بی‌بی‌سی یکی از مهم‌ترین موسسات سیاسی و فرهنگی بریتانیا و یکی از بانفوذترین و مورد اعتمادترین سازمان‌های رسانه‌ای جهان است. تعداد مخاطبان جهانی بی‌بی‌سی ۸۰ میلیون نفر برآورد می‌شود و در خود بریتانیا تقریباً همه شهروندان مذاکره‌کننده یکی از سرویس‌های متعدد این بنگاه سخن‌پراکنی استفاده می‌کنند (۱). اثربخت بزرگی از مردم بریتانیا تلویزیون بی‌بی‌سی را تماشا می‌کنند، بیشتر می‌شنوند و رادیو بی‌بی‌سی گوش می‌دهند و نیمی از آنها هم از خدمات آنلاین بی‌بی‌سی بهره می‌گیرند (۲). ما همچنین به خاطر موسیقی، ورزش، فیلم و سریال و برنامه‌های مستند به این بنگاه سخن‌پراکنی مراجعه می‌کنیم. اما بی‌بی‌سی به عنوان یک سرویس خبری قابل اعتماد و مهم، فقط یک موسسه فرهنگی نیست، بلکه یک منبع ضروری اطلاعات درباره جهان و جایگاه ما در آن محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که از هر ۱۶ فرد بزرگسال در جهان، یک نفر از خدمات خبری بی‌بی‌سی استفاده می‌کند در حالی که در خود بریتانیا از هر پنج نفر بزرگسال، چهار نفر از یکی از خدمات خبری این شبکه بهره می‌گیرند؛ این آمار نشان می‌دهد که میزان پوشش و نفوذ بی‌بی‌سی از هر بنگاه دیگر پخش خبر بیشتر است (۳). در حالی که اکثر ما از منابع خبری متعدد استفاده می‌کنیم، ولی نیمی از مردم بریتانیا بی‌بی‌سی را مهم‌ترین منبع خبری خود

می‌دانند و از هر پنج بریتانیایی یک نفر برای کسب خبر فقط به این رسانه متکی است. علاوه بر این، بی‌بی‌سی نه تنها محبوب‌ترین ارائه‌کننده اخبار محسوب می‌شود بلکه بینندگان و شنودگان نیز آن را دقیق‌ترین و قابل اعتمادترین می‌دانند (۴).

اما آیا کار ما در اعتماد به بی‌بی‌سی صحیح است؟ آیا بی‌بی‌سی روایت بر طرفانه‌ای از آنچه که در جهان می‌گذرد، ارائه می‌کند یا اینکه در خدمت نافع و برنامه‌های سیاسی خاصی است؟ این کتاب استدلال می‌کند که با رغم ادعاهای فراوان مطرح شده، بی‌بی‌سی نه مستقل است و نه بی‌طرف؛ چون ساختار رهنگ آن عمیقاً بر ساخته‌ی گروه‌های قدرتمند در جامعه بریتانیا است و در نتیجه، چنین فرهنگی همه آنچه را که ما در بی‌بی‌سی می‌بینیم، می‌سازیم می‌بینیم، شکل می‌دهد.

البته این بنگاه بدون متفق نیست ولی بحث و جدل درباره سیاست‌های بی‌بی‌سی به صورت ناامیدکننده‌ای، گمراه‌کننده بوده است. اگرچه بی‌بی‌سی یکی از مهم‌ترین موسسات بریتانیا می‌باشد، ولی در عین حال یکی از موسساتی است که بیشترین بدفهمی‌ها در مورد آن شکل گرفته است. بی‌بی‌سی توسط مفسران روزنامه‌های سیاسی به عنوان رسانه‌ای که از جناح چپ سیاسی در بریتانیا جانبداری می‌کند، معرفی می‌شود اما در واقع کار رسانه‌ای بی‌بی‌سی به شدت عقاید و منافع گروه‌های نخبه (حاکمان و صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی) را منعکس کرده و انعکاس می‌دهد. عقاید گروه‌های جایگزین و مخالف را به حاشیه رانده است. بی‌بی‌سی توسط روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان لیبرال به خاطر لاف زنی‌های گسترده در مورد مستقل بودن، و همچنین ادعای محافظت از حیات سیاسی دموکراتیک مردم، مورد ستایش قرار گرفته، اما در حقیقت بی‌بی‌سی بخشی از شبکه قدرتمند و عمدتاً غیرپاسخگوی متشکل از موسساتی است که بر جامعه بریتانیا سلطه دارند. البته بی‌بی‌سی فقط «یک سخنگو و مدافع ساده برای

نظام حاکم» نیست، بلکه آن گونه که «اوئن جونز»^۱ روزنامه‌نگار و فعال مدنی بریتانیایی اشاره می‌کند، بخش تفکیک ناپذیر این نظام است (۵). چپ‌گراها از بی‌بی‌سی که بودجه‌ی آن از طریق مردم تامین می‌شود به عنوان جان‌پناه و سنگری در مقابل رسانه‌های خصوصی وابسته به شرکت‌های بزرگ تجاری تجلیل می‌کنند، ولی بی‌بی‌سی سال‌های مدیدی است که شیفته بازار شده (۶) و در مقایسه با همه بنگاه‌های ملی سخن پراکنی و پخش برنامه‌های رادیو، تلویزیونی وقت و منابع بیشتری را به تجارت و سودداری اختصاص می‌دهد (۷).

این کتاب، حقایق را در مورد بی‌بی‌سی آشکار می‌کند و افسانه پردازی‌ها، کج فهمی‌ها، دروغ‌ها و کار مغشوش را که مانع درک درست توده‌ها از جایگاه واقعی این موسسه می‌شود، اصلاح می‌کند؛ موسسه‌ای که نه تنها در قلب زندگی سیاسی و فرهنگی بریتانیا قرار دارد، بلکه در سطح بین‌المللی نیز الگو و پیشگام بنگاه‌های سخن پراکنی مبتنی بر بودجه عمومی است. همان گونه که خواهیم دید، رسانه‌ای مرتجع و جریان محافظه‌کار در بریتانیا همه تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا درک و فهم عمومی نسبت به واقعیت‌های بی‌بی‌سی را آشفته و مغشوش کنند. همچنین که بسیاری از لیبرال‌ها و چپ‌گراها نیز چنین کرده‌اند. این بخش از جریان‌های سیاسی بریتانیا علاقه‌مند بوده‌اند که چشم خود را به روی گذشته بی‌بی‌سی ببندند و به جای آن بر آرمان‌ها و ایده‌آل‌های یک بنگاه سخن پراکنی عمومی که بی‌بی‌سی نیز خود را به این نوع آرمان‌ها می‌چسباند، متمرکز شوند. آن یک مشکل بزرگتر است. بحث درباره بی‌بی‌سی فقط گفت‌وگو و استدلال درباره شایستگی‌های یک موسسه رسانه‌ای خاص نیست، بلکه این بحث به ناچار برخی اصول خاص و در معرض خطر را پیش می‌کشد که بنگاه بی‌بی‌سی به عنوان تجسم آنها دیده می‌شود. این اصول اکثر بنیان‌های روزنامه‌نگاری

لیبرال نظیر دقت، صحت، استقلال و بی‌طرفی را شامل می‌شود. بی‌ریزی چنین اصولی یک تعهد هنجاری عمیق‌تر به نوع خاصی از حیات اجتماعی است که از جمله ویژگی‌های آن آگاهی عمومی است که باعث می‌شود جامعه در هر حالت و جهت‌گیری معناداری، کارکرد دموکراتیک داشته باشد. در چنین جامعه‌ای شهروندان نیازمند منابع اطلاعاتی دقیق و بی‌طرفانه هستند تا قضاوت‌هایشان آگاهانه باشد و همچنین به یک فضای عمومی نیاز دارند که از فشار نیروهای بازار و حکومت رها باشد و بتواند بحث و گفت‌وگوی سیاسی را در جامعه تسهیل کند. این در حالی است که رسوایی بی‌بی‌سی اخیر به روشنی نشان داده است که رسانه‌های بخش خصوصی این ایفای چنین نقشی کاملاً ناتوان هستند، هم‌زمان سرسخت‌ترین مدافعان بنگاه بی‌بی‌سی هستند و متوقفند که این بنگاه نیز در اغلب مواقع در پایبندی به این اصول ناکام بوده است. دقت و صحت همیشه جدی گرفته شده و همین ویژگی در اغلب مواقع مانع از این شده است که بی‌بی‌سی دچار تحریفات فجیع، دروغ‌ها و اشتباهات مرسوم، نظیر آنچه در رسانه‌های مرتجع و واپس‌گرا اتفاق می‌افتد بشود. اما همچنان که با جزئیات کامل نشان داده خواهد شد، بی‌طرفی ادعایی بی‌بی‌سی بنا شده که همواره به سمت منافع گروه‌های قدرتمند متمایل باشد.

چه چیزی در پشت این روزنامه‌نگاری جان‌ناشن بی‌بی‌سی نهفته است؟ «راجر بولتون» خبرنگاری که دو بار به دلیل تخریب ریش خبری ایرلند شمالی از بی‌بی‌سی اخراج شده، معتقد است که اگر به این صریح و روشن پرسیده شود که بی‌بی‌سی مستقل است یا نه؟ پاسخ باید این باشد که نه، مستقل نیست (۸). بی‌بی‌سی بندرت از دولت‌ها مستقل بوده است، چه برسد به استقلال از حکومت و نظام سیاسی. بنابراین بخشی از مشکل از این جا ناشی می‌شود که چنین سوالی با این انگیزه مطرح می‌شود

که به صورت روشن و دقیق محدوده خاصی را هدف قرار دهد. بدون اینکه به کلیت شرایط حاکم بر این بنگاه توجه کند. بی‌بی‌سی هرگز آن گونه که اکثر طرفداران دو آتشه‌ی آن تصور می‌کنند، «مستقل» نبوده است. مدیران اجرایی ارشد عضو شورای حکام^۱ بی‌بی‌سی و اخیراً هیات امنای^۲ آن همگی به نوعی منصوبان سیاسی به شمار می‌روند و منبع عمده تامین بودجه آن، خرید مجوز تلویزیون توسط شهروندان و نظام نامه آن - که در منشور سازمانی بی‌بی‌سی^۳ بینه شده - هر دو به طور منظم توسط دولت‌ها دستکاری و تعیین می‌شود؛ این واقعیتی است که به ناچار نحوه گزارشگری و پوشش خبری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته بی‌بی‌سی همواره به عنوان ابزار مستقیم طبقات حاکمه ریتانیا عمل نمی‌کند، بلکه همیشه محدوده خاکستری میانه‌ی دولت و جامعه مدنی را اشغال می‌کند که گاهی این رنگ خاکستری پُررنگ و گاهی کم‌رنگ می‌شود.

بی‌بی‌سی در ابتدا به عنوان «شرکت پخش بریتانیا (با مسئولیت محدود)»^۴ یا به عرصه‌ی وجود گذاشت که در سال ۱۹۲۲ یک کنسرسیوم شرکتی در پشت آن قرار داشت. این کنسرسیوم، متشکل از شش تولیدکننده بزرگ رادیو، در اکتبر ۱۹۲۲ تأسیس شده بود و در ژانویه سال ۱۹۲۳ نیز اداره پست مجوز انحصاری پخش را برای شرکت پخش بریتانیا صادر کرد (۹). شش کارخانه بزرگ تولید رادیو که بزرگترین آنها «مارکونی»^۵ نام داشت به دنبال این بودند که یک سرویس پخش را تأسیس کنند تا بتوانند بازار مناسبتی برای فروش فناوری‌های انحصاری خود ایجاد نمایند. بنابراین ظهور بی‌بی‌سی حاصل مذاکرات طولانی این شرکت‌ها با دولت بود و بودجه آن نیز از طریق وضع عوارض بر فروش دستگاه‌های رادیو تامین شد. لابی‌گری‌های رسانه‌های بخش خصوصی بدین معنی بود که رادیو در ابتدا از پخش بسیاری از اخبار

1- Board of Governors

2- BBC Trust

3- British Broadcasting Company Ltd

4- Marconi

منع شده بود و پخش برنامه‌های خبری آن از نظر زمانی، به بعد از ساعت هفت عصر و از نظر محتوایی به گزارش‌های تهیه شده توسط آژانس‌های خبری محدود بود. اما با گذشت زمان، بی‌بی‌سی به مهم‌ترین و مورد اعتمادترین منبع خبری برای مردم بریتانیا تبدیل شد. محدودیت‌های اولیه در مورد برنامه‌های خبری نیز در سال ۱۹۲۶ و پس از شروع اعتصابات عمومی برداشته شد. همان گونه که خواهیم دید، دوران اعتصابات عمومی، به‌ویژه یکی از مقاطع مفتضح و رسوای تاریخ بی‌بی‌سی است، این بنگاه بندرت غرور کامل متملق و در خدمت قدرت بوده و یا به‌طور آشکار از خود تعصب و جان‌باوری نشان داده است. این استقلال صوری که در آن زمان پایه‌گذاری شد، با تغییری تبدیل گردید که همچنان تا به امروز ادامه دارد. در سال ۱۹۷۱ «چارلز کورن»^۱ مدیرکل وقت بی‌بی‌سی زیرکانه اعلام کرد که بی‌بی‌سی «توسط نظام ناکس خلق شده و ادامه حیات آن نیز به رضایت نظام بستگی دارد». اما او در ادامه گفت که «بی‌بی‌سی به دلیل ماهیت خاص فعالیت‌هایش که همانا سوال و پاسخ است کردن است، به‌طور مستمر با اتهاماتی نظیر خرابکاری و ایجاد اختلال مواجه است» (۱۰). در واقع فقط گزارش کردن دقیق رویدادها و حتی ارائه بحث‌های سیاسی بسیار محدود هم این قابلیت را دارد که برنامه‌ها و راهبردهای عالی‌رتبه قدرت را مختل کند. هرچند که علاوه بر این بی‌بی‌سی در مواقعی دیدگاه‌های منتقدانه‌تری را ارائه کرده است. در حالی که شیوه روزنامه‌نگاری بی‌بی‌سی گزارش موارد چالشی را علیه نظم اجتماعی حاکم عرضه می‌کند، اما محبوبیت فراتر از سیاست رادیکال و لیبرال در دهه ۱۹۶۰ باعث شده بود که شاهد موارد متعددی از گزارش‌های مستقل و انتقادی به‌ویژه در مورد مسائل جاری و اتفاقات روز باشیم. بنگاه بی‌بی‌سی چیزی شبیه نوعی چرخش فرهنگی را تجربه کرد که براساس آن به مدت یک دهه تحت رهبری «هیو گرین»^۲، مدیرکل لیبرال

1- Charles Curran

2- Hugh Greene

خود، شیوه‌ای کمتر سختگیرانه را در پخش برنامه و تولید فیلم‌ها و سریال‌های مبتنی بر وجدان اجتماعی و برنامه‌های طنز اتخاذ کرد. براساس ادعای خود گرین، بی‌بی‌سی دیگر «عمود خیمه نظام حاکم»^۱ نبود و به واسطه حضور «نسل جدید و جوان» متحول شد (۱۱).

اهمیت سیاسی تغییرات فرهنگی که بی‌بی‌سی در دهه ۱۹۶۰ تجربه کرد، به سمتی متمایل بود که بزرگنمایی شود (۱۲) و بخشی از علل این تغییرات فرهنگی در واقع به دلیل تأسیس تلویزیون‌های تجاری در سال ۱۹۵۵ بود. از دست رفتن موقعیت انحصاری بی‌بی‌سی، این بنگاه را وادار کرد که دست به نوآوری و اصلاح بزند تا هم مشروعیتش را حفظ کند و هم سهم خود را در بازار مخاطبان تازه نیابد. اما این تغییر فرهنگ همچنین نمایانگر تغییرات وسیع‌تر اجتماعی بود که در آن سال‌ها جریان داشت. توسعه و رفاه نسبی، نوآوری‌های فنی، برابری بیشتر استخدام‌های تمام وقت با نزول بریتانیا به عنوان یک قدرت استعماری هژمونیک و فضایی را به وجود آورد که در آن هنجارهای اجتماعی و فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای و به‌ویژه توسط نسل جدید جوانان که از نظر اقتصادی نیز مستقل بودند، به چالش کشیده شدند. همان گونه که «استوارت هود»^۲ (ناظر پخش برنامه‌های تلویزیونی) به خاطر می‌آورد در این دوره بی‌بی‌سی برای نخستین بار به بخشی از گاوهای مقدس نظام حاکم - نظیر سلطنت، کلیسا، سیاستمداران برجسته و رسانه‌ای که قبلاً تابو و اهداف ممنوعه محسوب می‌شدند، حمله کرد (۱۳).

در حالی که این موضوع مطمئناً صحت دارد، همچنین می‌توان گفت که بدانیم خود بی‌بی‌سی نیز به دلیل اینکه در آن دوران یکی از اشکال محسوب می‌شد، تا حد زیادی هدف این دشمنی‌ها قرار گرفت. در سال ۱۹۷۷ «کمیته آینده پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی» اعلام کرد که دهه ۱۹۶۰ شاهد رشد دشمنی با چنین مراکز قدرتی بوده است؛ مراکزی که

1- Pillar of the Establishment

2- Stuart Hood (controller of programmes, television)

لزوماً هم به‌طور سنتی بخشی از سیستم دولتی و حکومتی به شمار نمی‌رفتند، بلکه موسساتی بودند که متهم به نوعی حکمرانی دولتی شده بودند (۱۴). بی‌بی‌سی به عنوان بهترین نمونه از موسسات حاکمیتی، به‌طور فزاینده‌ای به عنوان بخشی از نظام بروکراتیک و غیرپاسخگوی حاکم بر جامعه تلقی می‌شد و همچون دیگر موسسات قدرتمند، سلطه‌ی آن بر بیات اجتماعی جامعه هر روز بیشتر از قبل به چالش کشیده می‌شد (۱۵). بدین‌سانانی که تحت تأثیر رادیکالیسم دهه ۱۹۶۰ بودند دیگر نمی‌توانستند عموماً باشند ساختارها و دیدگاه‌های اجتماعی که پیشتر به آنها مشروعیت می‌بخشیدند، همچنان دست نخورده ادامه یابند و جامعه‌شناسان به‌شدت مفاهیم رسانه‌نگار را نظیر بی‌طرفی و عینیت را تضعیف و تخریب کردند؛ این مفاهیم منجر به حریف‌های حرفه‌ای بودند که نه تنها کاملاً از سوی روزنامه‌نگاران رعایت می‌شدند بلکه جایگاه ممتاز بی‌بی‌سی را در جامعه بریتانیا توجیه می‌کردند. در این دوره، رسانه‌ها به‌طور اعم و بی‌بی‌سی به‌طور اخص، از سوی اخلاق‌گرایان محافظه‌کار و بخش‌هایی از نیروهای اجتماعی چپ از جمله اتحادیه‌های صنفی و کارگرمی سازمان‌های بخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی، تحت فشار قابل توجهی قرار گرفتند. بخش‌های بنیادگرای جنبش کارگری نیز برای اصلاحات ساختاری تلاش و استدلال می‌کردند و در این راه هم از تحلیل‌های انتقادی مبتنی بر طعنه اجتماعی در موسسات رسانه‌ای و هم از مفاهیم مربوط به نقش‌آفرینی کارگران در مدیریت‌ها که روز به روز فراگیرتر و محبوب‌تر می‌شد، الهام می‌گرفتند.

برای فهم بهتر این دوره زمانی، مهم است بدانیم این مبارزات سیاسی نه فقط در سطوح رسمی سیاسی یا بین جنبش‌های اجتماعی و نظام حاکم جریان یافت، بلکه بین نهادها و موسسات مختلف و در درون خود این موسسات از جمله بی‌بی‌سی، اتفاق افتاد. در سال ۱۹۷۹ و در جریان مباحثه

سر دبیران ارشد بی بی سی درباره «اخبار بد»^۱ که یک مطالعه‌ی جامعه‌شناسانه و به شدت تاثیرگذار درباره نحوه پوشش خبری اختلافات صنفی و کارگری بود، یک مستندساز به نام «تونی اسحاق»^۲ گلایه کرد که در حال حاضر یک نسل کامل در عرصه روزنامه‌نگاری و سیاست ظهور کرده است که در دهه ۱۹۶۰ و هنگام حضورشان در دانشگاه «ال اس ای»^۳ لندن به گونه‌ای رشد یافته‌اند که باور کنند بی بی سی فاشسیت بوده و هر چیز بد دیگری را که وجود داشت به این بنگاه نسبت می‌دادند (۱۶).

برخی اوقات تصور می‌شود که «مرگ ادب و احترام»^۴ در دهه ۱۹۶۰ و تاثیری که این موضوع بر فرهنگ روزنامه‌نگاری گذاشت، باعث ظهور شیوه چالشی و مبارز جوانان در مصاحبه‌های سیاسی شد که نمونه‌های آن را در بی بی سی و در مصاحبه‌های انجام شده توسط چهره‌های رسانه‌ای نظیر «جرمی پکسمن»^۵ و «جان هافزیر»^۶ می‌توان مشاهده کرد. هرچند که این تصور به طور کامل اشتباه نیست، اما ما هم در این برداشت دچار سوءتعبیر و خوانش اشتباه می‌شویم. تردیدی نیست که تحولات اجتماعی آن دوره فضا را برای این نوع از روزنامه‌نگاری باز کرد، اما این شیوه هتاکانه کمتر ریشه در روحیه مساوات طلبانه دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد و بیشتر ناشی از رُست مغرورانه حاکم بر بحث‌های جاری میان مدارس دولتی و انجمن‌های مباحثه کالج‌های آکسفورد و کمبریج موسوم به «مجامع مناظر»^۷ است که در آنها وکلا و حقوق‌دانان آینده متلک‌هایشان را به سمت یکدیگر پرتاب می‌کردند. در واقع سِر «رابین دی»^۸ پیشگام بزرگ مصاحبه‌های چالشی و هتاکانه،

1- Bad News

2- Tony Isaacs

3- London School of Economics

4- The "Death of Deference"

5- Jeremy Paxman

6- John Humphreys

7- Moots

8- Sir Robin Day

رئیس اتحادیه دانشجویان آکسفورد بود که بعداً مجوز وکالت گرفت. اکثر نخبگان سیاسی با فرهنگ حاکم بر این اتحادیه بیگانه نبودند (۱۷).

میراث واقعی تحولات لیبرال و رادیکال دهه‌ی ۱۹۶۰ برای روزنامه‌نگاری، مرسوم شدن مصاحبه‌های سخت نبود، بلکه تولید و پخش برنامه‌های بلندپروازانه، نوآورانه و محبوب در حوزه مسائل روز که پس از تحولات دهه ۱۹۶۰ مرسوم شد، میراث این تحولات بود؛ برنامه‌هایی نظیر «جهان در صحنه صبح»^۱، «تلویزیون گرانادا»^۲ تا حدودی برنامه «پانوروما»^۳ بی‌بی‌سی و سایر برنامه‌های این بنگاه که در استودیوهای پُر پیچ و خم و دورافتاده‌ی خیابان «لیم گروو»^۴ واقع در غرب لندن تولید می‌شدند. افرادی نظیر جرمی پکسمن^۵ و بیل انرا^۶ که اجرای برنامه تلویزیونی «نیوزنایت»^۷ را در بی‌بی‌سی برعهده بگیرند در آن استودیوها آموزش دیده بود.

میراث رسانه‌ای تحولات دموکراتیک و مساوات طلبانه‌ای که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود تا دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت، اما بعداً با ضدحمله‌ی شدیدی مواجه شد و تغییراتی را در بی‌بی‌سی و وسیع‌تر از آن در فرهنگ سیاسی (بریتانیا) ایجاد کرد. در دهه ۱۹۷۰ که «راست جدید»^۸ پیرامون «مارگارت تاچر»^۹ (نخست وزیر بریتانیا ۱۹۷۹-۱۹۹۰) شکل گرفته بود، پیشروی بلندمدت خود را به سمت نهادها و موسسات رسمی از جمله بی‌بی‌سی، آغاز کرد. از اواسط دهه ۱۹۸۰ دولت تاچر و متدانش یک رشته حملات علنی را علیه برنامه‌های سیاسی بی‌بی‌سی آغاز کردند. سازمان دولت که روز به روز هم تندتر می‌شد، زمانی حل شد که منصوبان سیاسی دولت برای حکام بی‌بی‌سی، «آلسدیر میلن»^{۱۰} مدیرکل این بنگاه را مجبور به کناره‌گیری کردند.

1- Granada's World in Action

2- Panorama

3- Lime Grove

4- Newsnight

5- New Right

6- Margaret Thatcher

7- Alasdair Milne